



شنبه 14 اسفند 1395 - 5 جمادی الثاني 1438 - 4 مارس 2017

سابقه فعالیت‌های کمیته امداد امام خمینی به سال‌های قبل از پیروزی انقلاب...

تأسیس "کمیته امداد امام خمینی" (ره) به دستور آن حضرت (1357ش)

سابقه فعالیت‌های کمیته امداد امام خمینی به سال‌های قبل از پیروزی انقلاب و در حدود سال 1342 باز می‌گردد که تعدادی از انقلابیون که در زمره یاران امام بودند، مأموریت پیدا کردند به خانواده زندانیان، نیازمندان و مبارزان رسیدگی کنند. این کمک‌ها تا زمان پیروزی انقلاب ادامه یافت و سه هفته پس از پیروزی انقلاب، این نهاد به دستور امام برای دستگیری از محرومان و مستضعفان و یاری آسیب‌دیدگان تشکیل یافت. کمیته امداد تاکنون خدمات قابل‌توجهی در جهت اهداف خیرخواهانه و انسان‌دوستانه انجام داده و توانسته است کمک‌های فراوانی در سراسر کشور به محرومان و آسیب‌دیدگان بنماید. همچنین کمیته امداد در مواقع ضروری، کمک‌های مردمی را به برخی کشورهای اسلامی ارسال می‌کند. کمیته امداد امام خمینی هم اکنون خدمات گسترده‌ای را ارائه می‌دهد که پرداخت وام قرض الحسنه، تهیه تجهیزات برای نوزادان، خدمات درمانی، کمک به بیماران هموفیلی، کلیوی و تالاسمی، خدمات درمانی و بهداشتی و اجرای بیمه درمانی خانواده‌ها، خدمات پوشش، ارائه خدمات فرهنگی و آموزشی به دانش‌آموزان، دانش‌جویان و طلاب تحت پوشش و نظارت بر فعالیت‌های خودکفایی خانواده‌ها، خدمات پوشش و... از آن جمله‌اند.

آغاز هفته احسان و نیکوکاری و روز احسان و نیکوکاری

همه ساله از چهاردهم تا بیست و یکم اسفندماه به نام هفته نیکوکاری نامگذاری شده است. برگزاری این هفته به منظور جذب کمک‌ها و هدایای مردم به خانواده‌های محروم و نیازمند است که جمع‌آوری و توزیع آن توسط کمیته امداد صورت می‌گیرد. زیرا کمک به همنوع از اصول اساسی دین مبین اسلام است که همچنان که خداوند در سوره مبارکه انسان آیه 9 و 8 می‌فرماید: «و به دوستی خدا به فقیر و اسیر و طفل یتیم طعام می‌دهند و گویند ما فقط برای رضای خدا به شما طعام می‌دهیم و از شما هیچ پاداش و سپاسی نمی‌طلبیم.»

درگذشت آیت الله عباس واعظ طبسی نماینده ولی فقیه در استان های خراسان (1394 ش)

آیت الله واعظ طبسی نماینده ولی فقیه در استان های خراسان و تولیت آستان قدس رضوی در سال 1314 در مشهد مقدس و در خانواده‌ای مذهبی و روحانی متولد شد. ایشان در یک سالگی پدرش را که از نوایغ گویندگان اسلامی در ایراد سخنرانی های مذهبی و خطابه و از لحاظ اخلاق، تقوی و پرهیزگاری زبانزد خاص و عام بود از دست داد و دوران کودکی را با سرپرستی مادر پشت سر گذاشت. وی از همان سنین کودکی و نوجوانی بسیار عاطفی و علاقمند به حوزه های علمیه، عالمان دینی و حضور در جلسات مذهبی بود، لکن علیرغم علاقه شدیدی که به فراگیری علوم اسلامی داشت به خاطر شرایط و اقتضای زمان به تحصیل در دبستان و دبیرستان پرداخت که طی این دوران به دلیل استعداد سرشار و انضباط عالی همواره مورد توجه و احترام دوستان و معلمان بود.

آیت الله واعظ طبسی در 16 سالگی به حوزه علمیه وارد شد و دروس مقدماتی، سطوح متوسطه و عالی و خارج را به طور جدی دنبال کرد و از محضر اساتید و عالمان برجسته ای همچون آیات عظام و حجج الاسلام والمسلمین خالقی، جاویدی، ادیب نیشابوری، حاج سید احمد مدرس یزدی، حاج شیخ مجتبی قزوینی و میلانی بهره مند گردید، به طوری که مرحوم حضرت آیت الله العظمی بروجردی وی را طلبه ای خوش فکر و به عنوان زبان حوزه های علمیه دانسته و با تقدیر و تفقد از ایشان نام می‌بردند.

وی همراه با حدود 30 سال کار علمی دقیق و پیگیر، چندین دوره دروس منطق، اصول، معالم، قوانین، رسائل و کفایه را تدریس نمود که کلاسهای درس ایشان با استقبال گرم طلاب مواجه بود.

آیت الله واعظ طبسی از سنین 12 یا 13 سالگی با سیاست آشنا بود و در 15 یا 16 سالگی چه در دبیرستان و یا حوزه علمیه و منزل مسائل سیاسی را دنبال و مطرح می‌کرد.

وی با احساس نفرت عیمقی که از رژیم پهلوی در خود احساس می‌کرد، خشم و کینه اش را به اشکال مختلف ابراز می‌نمود و پس از گذشت یکی دو سال از شروع درس در حوزه علمیه با سخنرانی های خویش مبارزه ای هدفمند و جهت دار را بر علیه دستگاه حاکم آن زمان آغاز کرد، تا جایی که چندین بار بخاطر همین سخنرانی ها ممنوع المنبر و یا به زندان کشانده شد، لکن این مبارزه مقدس را تا پیروزی انقلاب شکوه مند اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) ادامه داد و همیشه یار و یاور اسلام و نظام اسلامی برای خدمت به جامعه اسلامی بود.

آیت الله واعظ طبسی پس از پیروزی انقلاب شکوه مند اسلامی همواره به عنوان یکی از استوانه های نظام مقدس مورد توجه قرار داشته و از سوی امام خمینی (ره) به عنوان نماینده معظم له در استان خراسان و تولیت آستان قدس رضوی منصوب و پس از رحلت آن بزرگوار، این حکم از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی و ولی امر امت اسلام تأیید شد. وی علاوه بر خدمت در بارگاه مقدس رضوی در نهادهای همچون مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس خبرگان رهبری عضویت و ریاست حوزه علمیه خراسان را به عهده داشت.

ایشان که از عصر هفتم اسفندماه به دلیل عارضه تنفسی در بیمارستان امام رضا (ع) مشهد مقدس بستری شده بود حوالی ساعت 2 بامداد 14 اسفند 94 دعوت حق را لبیک گفت.

وفات "بن ابی الحدید" متکلم و فقیه بزرگ مسلمان و شارح نهج البلاغه (656 ق)

عزالدين ابو حامد عبدالحميد بن هبة الله معروف به ابن ابی الحدید، ادیب، متکلم، فقیه، شاعر و نویسنده؛ ی بزرگ مسلمان در سال 586 ق در مدائن به دنیا آمد و از حدود پانزده سالگی در محضر عالمان مشهور بغداد حضور یافت. عزالدین در بغداد به قرائت کتب و اندوختن دانش پرداخت و در محافل ادبی و علمی شرکت جست به طوری که در زمره؛ ی عالمان روزگار درآمد. ابن ابی الحدید در شعر طبیعی رسا داشت و در انواع مضامین، شعر می؛ ی گفت ولی مناجات و اشعار او در عرفان مشهورتر است. در حمله؛ ی مغولان به بغداد اسیر شد اما با وساطت برخی از بزرگان این شهر آزاد گردید و از مرگ نجات یافت. مهم؛ ی ترین اثر ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه است که مجموعه؛ ی ای گردآوری شده از سخنان امام علی(ع) است. ابن ابی الحدید در این کتاب، عظمت نهج البلاغه را به لحاظ ادبی، تاریخی و کلامی آشکار و عرضه کرده است. با این که گرایش به تشیع در شرح نهج؛ ی البلاغه زیاد است، مطالبی نیز در آن یافت می؛ ی شود که با عقاید عمومی شیعه درباره؛ ی مسایل امامت و مسایل تاریخی مربوط به آن، سازگار نیست. هر چند ابن ابی الحدید در حمله؛ ی هلاکوخان مغول به بغداد به واسطه؛ ی شفاعت خواجه نصیرالدین طوسی و علمای بغداد از مرگ رهایی یافت ولی روزگاری نباید و اندکی بعد در هفتاد سالگی در همان شهر درگذشت.

درگذشت شاعر و عارف شهیر "جلال الدین محمد بلخی" معروف به "مولوی" (672 ق)

جلال الدین رومی در سال 604 ق در بلخ متولد شد. شهرتش به روم به سبب طول اقامت او در قونیه واقع در ترکیه؛ ی امروزی است که در آن زمان جزو قلمرو امپراتوری روم بوده است هرچند مولوی، خود را از مردم خراسان می؛ ی شمرد. پدرش بهاءالدین ولد، مدرس و واعظی خوش بیان و عرفان؛ ی گرا بوده است. زندگانی مولانا بعد از سفرهای مختلف، با آشنایی با شمس تبریزی صورتی دیگر گرفت. او پس از 16 سال همدمی با شمس، از او جدا شد و در آتش فراغ او سوخت. مولانا پس از آگاهی از اقامت شمس در دمشق فرزند خود را با جمعی از یاران در جست؛ ی وجوی شمس فرستاد. عاقبت شمس دعوت وی را اجابت کرد و به قونیه آمد. اما نوبت اقامت شمس در این دفعه کوتاه بود و پس از مدتی با رنجش خاطر از فتنه؛ ی انگیزی حسودان، از قونیه برفت. از این رو مولانا غزلیات سوزناک؛ ی تری سرود. مولوی سرانجام در 68 سالگی در قونیه بدرود حیات گفت و همه؛ ی مردم و اهالی قونیه، حتی مسیحیان و یهودیان نیز در سوگ مولانا نشستند و زاری کردند. بارگاه او در قونیه به عنوان مزار یک روحانی و عابد و عالم ربانی، مورد نذر و نیاز است و مردم آن سامان و دوستان وی، از این دیدگاه، از خاک پاکش همت و مدد می؛ ی جویند. در میان بزرگان ادب فارسی، مولوی پرکارترین شاعر است و آثار فراوانی دارد از جمله: مثنوی معنوی، غزلیات شمس تبریزی، رباعیات، فیه مافیه، مکاتیب و محاسن شیعه. وی در نظر ایرانیان و بیشتر صاحب نظران جهان به نام عارفی بزرگ، شاعری نامدار، فیلسوفی تیزبین و انسانی کامل شناخته شده است. پایگاه او در جهان شعر و شاعری چنان بالاست که گروهی او را بزرگ؛ ی ترین شاعر جهان و دسته؛ ی ای، مولوی را بزرگ؛ ی ترین شاعر ایران و جمعی او را یکی از چهار پنج شاعر بزرگ ایران می؛ ی شمارند.

(1857)

هنگامی که انگلستان در سال 1856م درگیر جنگ کریمه در اروپا بود، ناصرالدین شاه قاجار، به تحریک و تشویق روس؛ ی ها که در جنگ کریمه با انگلیسی؛ ی ها درگیر شده بودند به هرات لشکرکشی کرد و با استفاده از گرفتاری انگلیس این شهر را در اول نوامبر 1856م به تصرف خود در آورد. دولت انگلیس در همان روز که هرات به تصرف نیروهای ایران درآمد، به ایران اعلان جنگ داد. بلافاصله هشت کشتی جنگی انگلیس با تعدادی کشتی؛ ی های بخاری و بادی به حرکت در آمده و در چهارم دسامبر همان سال، بنادر و جزایر ایران را در خلیج فارس مورد حمله قرار دادند. در نتیجه تا پایان سال، جزیره خارک و بندر بوشهر به تصرف نیروهای انگلیسی در آمد و در ژانویه سال 1857م، سربازان انگلیسی و هندی با پیشروی در داخل خاک ایران، تا ناحیه کرمان پیش رفتند. در همین احوال، قوای انگلیس در حوالی خرمشهر پیاده شدند و کشتی؛ ی های جنگی آنان، اهواز را به تصرف خود در آوردند. ناصرالدین شاه که از عاقبت کار بیم؛ ی ناک شده بود، با اعزام نماینده؛ ی ای به پاریس، خواستار میانجی؛ ی گری فرانسه در این زمینه گردید. در نتیجه قراردادی در چهارم مارس 1857م منعقد شد که به موجب آن، دولت ایران تعهد داد که در برابر خروج نیروهای انگلیس، از ایران، بی؛ ی درنگ هرات را تخلیه و از هرگونه ادعای حاکمیت و سلطنت بر افغانستان صرف نظر نماید و ثانیاً بندرعباس و چابهار را در ازاء مبلغ ناچیزی اجاره، به والی مسقط در کشور عمان واگذار کند. بند دوم، موضوعی بود که به هیچ وجه ارتباطی به اختلافات ایران و انگلیس نداشت. با این حال دولت هراسان ایران، بلافاصله این قرارداد ننگین را پذیرفت و ناصرالدین شاه بدون اخذ هیچ نتیجه؛ ی ای، با سرفکندگی، دستور عقب؛ ی نشینی نیروهای ایران از افغانستان را صادر کرد. از این زمان بود که افغانستان به کلی از ایران، جدا شد و افغانستان تحت الحمايه انگلستان قرار گرفت.